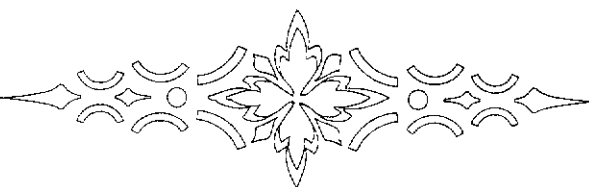


فروغ بی پایان



عبدالمجید معاد یخواه

«فروغ بی پایان»، عنوان مجموعه ای است، درباره قرآن کریم که شامل چند بخش است و به زودی منتشر خواهد شد.

بخش های مختلف این مجموعه عبارت است از:

۱. ترجمه قرآن کریم: در ابتدا، پی این بودم که ترجمه ای را بپسندم و دیگر ترجمه نکنم اما به هر حال چنین چیزی پیش نیامد و ترجمه هایی را که دیدم هر کدام نقاط قوت و ضعفی داشتند، به عنوان نمونه: من احساس می کنم اینکه بسم الله الرحمن الرحیم را، «به نام خداوند بخشاینده مهربان» ترجمه می کنند غلط است، زیرا گرچه سالهاست اینرا همه می گویند، اما به هر حال این اشکال مطرح است که رحمان و رحیم در عربی هم خانواده هستند و از رحمت گرفته شده اند ولی بخشاینده و مهربان در ادبیات فارسی هم خانواده نیستند که اگر بتوانیم ترجمه ای هم خانواده داشته باشیم، به نظر من اولی خواهد بود و اگر نتوانستیم در حد ضرورت تن خواهیم داد. از این رو به نظر من، «مهرگستر» در ترجمه «الرحمن»، هم دقیق تر است از بخشاینده (زیرا رحمان را صیغه مبالغه می دانیم و ناظر به رحمت رحمانیه

نمی شود گفت لاریب فیه .

مورد دیگر در آیه صراط الدین انعمت
علیهم است که ما ترجمه کرده ایم : راه
آنان کس که وام دار نعمت خود
خواستی شان .

ممکن است به ذهن بعضی بیاید که
این اضافه بر ترجمه است ، لکن با توجه
به کلمه علی که سنگینی نعمت است ،
همین وام دار نعمت بودن است .

از این قبیل موارد ، خیلی زیاد است .
البته این ترجمه هم که من فراهم آورده ام
ممکن است کسسی نگاه کند و
خواسته هایش برآورده نشود ، در واقع از
متنی مثل قرآن نمی شود انتظار داشت که
یک ترجمه نهایی بشود ، عمده اینست
که یک جریان ترجمه ایجاد بشود و
هر کسی چیز جدیدی در ترجمه اش
بیاورد و این رشد بکند تا به یک نقطه ای
برسد . به هر حال زمان که بگذرد این
تغییرات پیدا می شود .

یادآوری این نکته لازم است که این
ترجمه در نرم افزار کوثر آمده است که
یکی ، دو ویرایش شده بود و بعد از آنهم
دو ویرایش دیگر شده است .

یکی دیگر از خصوصیات این ترجمه
اینست که سعی کرده ام سجع

الهی) و هم جنبه هم خانواده بودن حفظ
شده است . خوشبختانه مهرگستر
واژه ای است که استعمال هم شده و
حافظ از این واژه استفاده کرده است .

یا در آیه : ذلک الكتاب لاریب فیه
هدی للمتقین می گویند : این کتاب ، در
حالی که ذلک اشاره بعید است ، برای
این توجیهاتی ذکر کردند از جمله
گفتند : برای تفخیم و بزرگداشت مقام
قرآن ذلک گفته است . اما اگر ما معنایی
بکنیم که علاوه بر جنبه های تشریفاتی
واقعاً یک نکته ای در آن باشد این اولی
خواهد بود . به نظر من چون قرآن
مواردی دارد که از اشاره قریب استفاده
کرده است مثل : تلک آیات الكتاب
الحکیم . اگر بنا بود برای تفخیم باشد
در همه اینها از اشاره بعید
استفاده می کرد . ظاهراً اینجا مرتبه
تأویل قرآن است یعنی قرآن در مرتبه
تأویلش است که زلال هدایت است و
هیچ شک و شبهه ای در آن نیست و
در واقع در پاسخ به کسانی که عطش
هدایت دارند و می گویند : اهدنا
الصراط المستقیم قرآن می گوید :
ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین .
اما در مرتبه تنزیل ، متشابهات هست و

قرآن نثری بیاورد.

۲. گنج واژه مفاهیم قرآنی: مرحله بعدی کار که شاید ارزش انتشار نداشته باشد و بیشتر ابزار کار خودم بوده است، گنج واژه مفاهیم قرآنی است، در همین حد که مثلاً فرض کنید از بسم الله الرحمن الرحيم شروع کرده ام. درباره نام چقدر آیه در قرآن است؟ درباره خدا چند آیه؟ درباره رحمت رحمانیه چقدر آیه است؟ درباره رحمت رحیمیه چقدر؟ که در این گنج واژه عناوین کلی مشخص شده و اینکه هر کدام چند آیه در قرآن دارد.

۳. طبقه بندی و محور بندی: مرحله بعد از تعیین مفاهیم، آیات ملاحظه شده و یک طبقه بندی شبیه کاری که درباره نهج البلاغه در فرهنگ آفتاب کردیم، انجام شده است. بدین شکل که محورهای انتخاب شده و بعد از هر محور یک سلسله عناوین جزئی تر به صورت یک نظام مشخص آمده است.

این مرحله الآن در پردازش نهایی قرار دارد که تا آخر حرف عین پیش رفته است که تقریباً چهار ماه دیگر تمام می شود.

داشته باشد، گرچه ممکن است در مواردی نتوانسته باشیم، لکن فکر می کنم در حدود نود و پنج درصد این ترجمه سجع داشته باشد، از باب نمونه در سوره حمد چنین ترجمه کرده ام. به نام خداوند مهرگستر مهربان. سپاس و ستایش خدای را، پروردگار جهانیان.

همان مهرگستر مهربان. روز سرنوشت را صاحب فرمان. جز تو را نپرستیم، و جز از تو نخواهیم پشتیبان. ره نمای ما را به راهی راستا. راه آنان که وام دار نعمت خود خواستی شان. نه خشم زدگان و نه گمراهان.

در ترجمه نیز سعی شده آیات مشابه و هم معنا، یکدست بشود مگر جایی که تکرار در عربی زننده نیست اما در فارسی تکرار زننده است که در این موارد از مترادف استفاده شده است.

البته در این ترجمه اگر ابتدا کسی نگاه کند، ممکن است بگوید این ترجمه دقیق نیست ولی تلاش بر این بوده است که از دقت، چیزی فدای زیبایی نشود و به عکس هم نشود. به هر حال باید نشر قرآن، نثر زیبایی باشد گرچه کسی نمی تواند مدعی شود که بتواند به زیبایی

در این مرحله حدود پنج هزار موضوع کلی داریم که ذیل هر کدام گاهی دهها موضوع فرعی آمده است، مثلاً موضوع تاریخ که به عنوان موضوع کلی است و ذیل آن حدود چهار هزار آیه قرآن را استقصاء کردیم که جنبه تاریخی دارد، تقریباً دو سوم قرآن، گرچه مقداری تکراری هم دارد.

از باب نمونه موضوعات انتخاب شده در بحث تاریخ که به دهها محور اصلی و موضوعات فرعی می رسد عبارت است از: تاریخ جهان، تاریخ انسان، تاریخ انبیا، تاریخ اسلام، فلسفه تاریخ که همه، محورهای اصلی در این بحث است.

فرهنگ آفتاب عرضه بشود، چیزی حدود دوست و پنجاه جلد می شد که نه معقول است و نه با وضعیت فعلی جهان تحقیق سازگار است.

با بررسی های مختلفی که به عمل آوردم و محذورات کارهای گوناگون را سنجیدم، به یک طرح ابتکاری دست یافتم، به این صورت که قرآن کریم را به صورت کارت هایی دریاورم که در یک جعبه قرار داده می شود که در هر کارت، به صورت پشت و رو، آیات با ترجمه آورده شود که بعضاً به هشت تا ده آیه هم می رسد و جمعاً حدود ششصد و اندی کارت می شود.

این کارت ها یک شماره دارد و آیات نیز یک شماره سریال، که ملاک آدرس، همین شماره سریال است. در کنار این جعبه کارت، حداکثر دو جلد فهرست هم قرار می گیرد بدین صورت که محقق با انتخاب موضوع و تعیین شماره سریال ها که در مقابل هر موضوع قرار دارد، کارت ها را انتخاب می کند و با مراجعه به شماره های سریال داده شده، به تحقیق پیرامون آن موضوع می پردازد و بعد کارت ها را سر جایش

نحوه عرضه فروغ بی پایان

سعی ما بر اینست که بسیار کم حجم عرضه بشود. در ابتدا اصل را بر این گذاشتم که به صورت یک طضه عرضه بشود. ولی برای کسانی که هنوز فرهنگ مکتوب برایشان اصالت دارد که خیلی هم هستند، به صورت مکتوب نیز عرضه خواهد شد. البته با توجه به تجربه ای که در کار فرهنگ آفتاب داشتم اگر می خواستم به صورت

قرار می دهد.

جالب توجه اینکه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت دیدم که این کار رایجی است که برای جلوگیری از حجم زیاد کتاب، در کارهای فرهنگی به صورت فیش عرضه شده است.

این روش، هم حجم کتاب ها را کم می کند (که در همین کار ما، از دویست و پنجاه جلد به دو جلد می رسد) و هم دستیابی به منابع تحقیق را آسان می گرداند.

زمان صرف شده جهت تهیه این کار در مرحله اول که خواندن قرآن و ترجمه آن بود، دو سال کار مداوم برد، یعنی گاهی حدود سیزده، چهارده ساعت کار. البته در این مدت اولین ترجمه انجام شد، زیرا این ترجمه هفت، هشت بار ویرایش شده است. بعد از ترجمه، مفاهیم کلی را در همین مدت استخراج کردم که همان گنج واژه مفاهیم قرآن تهیه شد.

مرحله دوم که ویرایش ترجمه و پردازش نهایی انجام می شود تا الآن حدود یک سال و نیم است که کار می شود و شاید چهار ماه دیگر هم لازم باشد که به پایان برسد.

انگیزه تدوین این مجموعه

احساس من این است که جامعه علمی ما برخلاف تصور بعضی که تحقیق را بالاتر می دانند، در مرحله ای است که اطلاع رسانی بسیار در اولویت است یعنی کارهایی که مسیر کار محققان را صاف کند و دستیابی به مسایل علمی را راحت کند، گرچه کارهایی در این زمینه شده و به این مسأله تا حدودی توجه شده است، لکن باید کارهای اساسی بشود که طلسم تحقیق را بشکند تا استعدادها بهتر بکار گرفته شود و چون این کار با ارایه نمونه بهتر جا باز می کند، من تصمیم گرفتم این کار را انجام دهم تا محققان به روشنی احساس کنند این نوع کارها چقدر راه گشاست و در زمینه های مختلفی این کار را انجام دهند. مثلاً در تاریخ اسلام و ...

به عبارت دیگر، ما یک دوره ای از دنیا عقب افتادیم چرا که زمانی بود کتاب ها چاپ می شد بدون فهرست و اگر کسی می خواست موضوعی را مطالعه کند مجبور بود کتاب را از اول تا آخر بخواند، بعد به این نتیجه رسیدند

معنوی داشت، که آن موقع یادم هست که به آزادی مثال می زدند که اگر یکی بنخواهد آزادی را در «نهج البلاغه» پیدا کند، چطور باید پیدا کند؟ و آقای هاشمی هم همین را مثال می زدند.

به هر حال این کار را در زندان شروع کردم که از پربرکت ترین کارها در زندگی ام بود. شاید کار آقای هاشمی رفسنجانی درباره قرآن هم از همین جا آغاز شد که من را به زندان اوین در تهران آوردند و آقای هاشمی از کار «نهج البلاغه» سؤال کردند که نمونه ای آوردم و روی کاغذ توضیح دادم و ایشان پسندیدند و گفتند: بیا این کار را روی قرآن هم شروع کنیم و خودشان شروع کردند. ولی بعد که از زندان بیرون آمدم، به جهت اینکه تیرها به صورت ترکیبی استخراج شده بود در جمع بندی نهایی به بن بست رسیدم لذا سبکش را عوض کردم و در کار «فروغ بی پایان» آن را پیاده کردم. به امید آنکه بتوانم این کار را به زودی به جامعه قرآن پژوه و محققان علوم قرآنی عرضه کنم.

که کتاب باید فهرست داشته باشد و بعد فهرست های مختلف، نظیر فهرست اعلام، فهرست اماکن و فهرست های فنی دیگر نوشته شد.

این کار ما نیز به دلیل اینکه کار ابتدایی است ممکن است اشکالات فراوانی داشته باشد لکن تا این کارها رایج نشود کار تحقیق به سامان نخواهد رسید، بلکه به بن بست منجر خواهد شد.

یادکرد این نکته لازم است که شروع این کار، که با «فرهنگ آفتاب» درباره نهج البلاغه آغاز شد به سال های قبل از انقلاب برمی گردد که در سال ۵۰ عده ای را در قم از جمله من را دستگیر کردند به لحاظ اینکه در پانزده خرداد اتفاقی نیفتد و من در زندان این کار را آغاز کردم، البته ذهنیت این کار از گذشته بود با صحبتی که با آقای هاشمی رفسنجانی شده بود (که این خود داستان دیگری دارد) که کشف المطالبی درباره «نهج البلاغه» تهیه بشود و دو، سه سال قبل از آن هم از مرحوم شهید مطهری (ره) این را شنیده بودم که ایشان می فرمود: ای کاش «نهج البلاغه» یک الکاشف